نسبت نفس ناطقه با بدن

شماره پرسش: ۴۱۲۴۱

تاریخ ارسال پرسش: ۰۷:۳۶:۵۸ ۱۴۰۴/۱۲/۸

متن پرسش

باسلام و احترام خدمت استاد گرامی و سپاس از لطف شما -باتوجه به اینکه نفس تدبیر بدن می‌کند و از این جهت که عالی‌ست (به نسبت جسم) با استفاده از ابزار جسم افعال خود را در عالم ماده به ظهور می‌رساند؛ -باتوجه به اینکه اعمالی همانند نمازشب در کلام معصوم(علیهم السلام)، چهره انسان‌را نیکو و زیبا می‌کند؛ چند مسیر برای تفکر باز می‌شود: ۱) آیا صرف داشتن چهره زیبا، دال بر شدیدتر بودن جایگاه نفس آن شخص نمی‌تواند باشد؟ برای مثال زیبایی چهره حضرت یوسف(علیه‌السلام) را ناشی از نفس مدبره عالی‌تر ایشان نسبت به سایرین بدانیم؟ ۲) از آنجایی که جسم چیزی جز تجلی نفس در عالم ماده نیست، فلذا تجلی اسماء جمالی در دل یک انسان در نشئه جسمانی‌ست که موجب زیبایی ظاهر می‌شود. ولی در تاریخ زیبارویانی وجود داشتند که افعال سوء از آنها سر می‌زده است. ۳) آیا می‌توان از دیدِ مشارب به این قضیه نگریست؟ مثلا نفسی که مشربش موسوی باشد، جسمش قدرتمند است یا اویی که یوسفی‌ست چهره زیبایی دارد و... که این امر، سلوک آن فرد را از عالم ماده- به تبع مشربش- ممکن می‌سازد؟ ۴) آیا اینطور نیست که تجلی نفس در عالم ماده -به‌حسب تجلی خدا به اسمی در آن نفس- دارای ویژگی هایی‌ست؟ مثلا قدِ بلند را -که در عرف نشانه سلطه و قدرت تلقی می‌شود- تجلی اسمی به همان معانی بدانیم؟ یا چهره زیبا را تجلی اسم جمال و...؟ ۵) موردی که پیش می‌آید اینست که مثلا فردی هیچ نشانه‌ای در جسم خود مبنی بر قدرت، جمال و... نمی‌بیند و مثلا فقط تجلی اسم حیات را می‌نگرد. این فرد به‌لحاظ شدت وجودی از آنهایی که قدرت و جمال ظاهر دارند، ضعیف‌تر است؟ ۶) البته به این توجه هست که بهره‌مندی هرکس به میزان شدتی‌ست که در سیر خود می‌گیرد. عمده بحث اینجا بود که صفات کمال ظاهری(رنگ، قد، تناسب و...) که در جسم افراد مشاهده می‌شود، به سبب فیض بیشترست نسبت به سایرین؟ ۷) اگر نشانه فیض شدیدتر است که این افراد ارجمندتر هستند نسبت به کسانی که درین ویژگی‌ها ضعیف‌ترند. افراد صاحب جمال و قدرت، بطور ذاتی دارای جذبه اند و میل انسانی به مسئله زیبایی و قدرت، موجب جذب بسوی ایشان می‌شود. حال موردی که پیش می‌آید اینست که گاها این افراد در جبهه مقابل حق قرار گرفته‌اند و به سبب کشش جمالی و قدرت خویش، مردمان را اغوا می‌کنند. سالک باید از چه منظری روبه‌رو شود که هم جمال و قدرت ظاهری را تماما تجلی حق ببیند و هم مقهور و تحت تاثیر زیبایی و قدرت افرادی که مقابل جبهه حق اند قرار نگیرد؟ ۸) دلم رضا نمی‌دهد که بگویم زیبایی ظاهری بعضی از افراد از جانب شیطان است-البته متکی به احساس نیستم-. (این مورد مسئله خوبی در مواجهه با رسانه است، زیرا افرادی که در رسانه های معاند فعال اند غالبا زیبا، خوش‌صدا، بلندقد و... هستند و سالک هم

میخواهد آنهارا هم تجلی حق ببیند و هم نمی‌خواهد مقهور سخنان ناروای اینان بشود). باتشکر فراوان

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱ و ۲ - نفس انسان به حکم: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا» در ذات خود در تعادل کامل است که در شرح آیهٔ مذکور در سورهٔ «شمس» تا حدّی در مورد نکتهٔ «سوّی بودن» نفس عرایضی شده است و همهٔ حرف را باید بر این مبنا دنبال کرد ۳- نمی‌دانم می‌توانیم در این مورد به موضوع فکر کرد یا نه؟ ۴- آری! ولی به زمینه‌های ظهور استعدادهای نفس در دوران جنینی و به استعدادهای طبیعتی که انسان در آن رشد می‌کند و حتی به تاریخی که در آن قرار دارد؛ می‌توان فکر کرد ۵- فکر نمی‌کنم. زیرا نشانهٔ نگاه ما به آن جسم ضعیف این‌چنین است ولی معلوم نیست که در جای خود چنین باشد ۶- به طور کلی نمی‌توان به این نتیجه رسید ولی قابل توجه است ۷- مهم، اصالت شخصیت است و جسم به خودی خود هر اندازه هم که زیبا باشد، زمینه و مُعِدّات به حساب می‌آیند و نه علت و ملاک حقانیت در جان‌ها ۸- مهم، استفادهٔ منفی این افراد است از استعداهای‌شان و اتفاقاً این افراد در خطر هلاکت بیشتری قرار دارند و قرآن مکرراً متذکر به این افراد است نسبت به استعدادهایی که برای امتحان‌دادن به آن‌ها داده. در این مورد چه اندازه جناب حجت‌الاسلام استاد سید محمد باقر طباطبایی‌نژاد، در برنامهٔ محفل قرآن شبکهٔ ۳، این موضوع را خوب و خوب‌تر روشن نمودند و خدا را شکر که چنین افراد آگاه به قرآن در کنار دیگر داوران عزیز قرآنی در میدان هستند. موفق باشید